



دفتر چهارم

برگرفته از مباحث استاد محمد رضا عابدینی

انزلی استد

روایت الهی





امید آفرینی

خلاصه منبر مکتوب

برگرفته از سخنرانی‌های استاد محمدرضا عابدینی

دسته بندی موضوعی: **منبر**

به اهتمام: **مؤسسه فرهنگی هنری تمحیص: قرارگاه رتبیون**

صفحه آرا: **حسن ناصری**

قطع: **جیبی**

پایگاه اطلاع رسانی: Tamhis.ir

رایانامه: Info@Tamhis.ir

تلفن تماس: ۰۲۵-۳۷۷۴۰۰۰۴



پایگاه اطلاع رسانی: www.1542.org

رایانامه: info@1542.org

شبکه‌های اجتماعی: [@www.1542.org](http://www.1542.org)



السلام عليك يا ابا عبد الله
و على الأرواح التي حلت بفنائك
عليك مني سلام الله
أبدأ ما بقيت و بقي الليل و النهار
ولا جعله الله آخر العهد مني لزيارتكم
السلام على الحسين
و على علي بن الحسين
و على أولاد الحسين
و على أصحاب الحسين



مقدمه ۱۳

جلسه اول: پیروزی شناختی ایران طی ده روز (ذکر

مصادیق) ۱۹

۱۹ مقدمه (شروع بحث)

۲۰ نبرد امروز، نبرد اراده‌هاست

۲۱ تحلیل نقشه دشمن در حوادث اخیر

۲۱ نتیجه معکوس و پیروزی شناختی

۲۲ ارکان این پیروزی الهی در جنگ شناختی

۲۳ وعده نصرت الهی

۲۳ گره زدن به عاشورا (ذکر مصیبت)

جلسه دوم: مقایسه داستان جنگ احد و بدر ۲۷

۲۷ مقدمه

۲۸ بدر؛ پیروزی با امید و توکل محض

۲۸ احد؛ آزمون سستی و حکمت شکست

تحلیل سه مرحله سقوط (وهن، ضعف،

استکانت) ۲۹

گره زدن به عاشورا (ذکر مصیبت) ۳۰

جلسه سوم: تلاش دشمن در جنگ شناختی برای

ایجاد ناامیدی ۳۳

مقدمه ۳۳

استراتژی دومرحله‌ای دشمن ۳۴

پادزهر قرآنی غرور ۳۵

مولا و سرپرست حقیقی ۳۵

گره زدن به عاشورا (ذکر مصیبت) ۳۶

جلسه چهارم: تلاش دشمن درون برای پررنگ کردن

مشکلات کوچک و ایجاد یأس ۳۹

مقدمه ۳۹

صدای یأس از جبهه خودی ۴۰

نقزن‌های حرفه‌ای ۴۰

سیاست رسانه‌ای دشمن و وظیفه ما ۴۱

گره زدن به عاشورا (ذکر مصیبت) ۴۱

جلسه پنجم: نتایج ناامیدی در جامعه (قطع رشته

تواصی و... ۴۵

۴۵ مقدمه

۴۶ معده ناامیدی

۴۶ مثال کرونا

مهم‌ترین نتیجه یأس: قطع رشته تواصی

۴۷

۴۷ گره زدن به عاشورا (ذکر مصیبت)

جلسه ششم: تواصی و مواسات؛ راهکاری برای

مصونیت از ناامیدی ۵۱

۵۱ مقدمه

۵۲ تواصی؛ پادزهر جنگ شناختی

۵۳ مواسات؛ تجلی عملی تواصی

۵۳ حزب الله پیروز است

۵۴ گره زدن به عاشورا (ذکر مصیبت)

جلسه هفتم: امید به نصرت الهی ۵۷

۵۷ مقدمه

۵۸ منطق مؤمن: پیروزی در هر دو حالت

۵۹ نصرت خدا در اوج سختی می‌آید

داستان حضرت موسی علیه السلام و عبور از دریا ۵۹

وعددهای قطعی قرآن ۶۰

گره زدن به عاشورا (ذکر مصیبت) ۶۰

جلسه هشتم: فاتح حقیقی میدان (گره به عاشورا) ۶۳

مقدمه ۶۳

در هر بلا، نعمتی است ۶۴

بازتعریف پیروزی و غلبه ۶۵

حزب الله و جندالله غالبون ۶۵

فاتح حقیقی میدان کربلا ۶۵

گره زدن به عاشورا (ذکر مصیبت) ۶۵

جلسه نهم: امام، مصداق تام امید ۶۹

مقدمه ۶۹

امام، لنگرگاه آرامش و سکینه ۷۰

سلاح آرامش و سکینه الهی؛ قدرت قاهر ۷۰

طمأنینه مؤمنانه ۷۰

تفاوت مؤمن و کافر در امید ۷۱

امید به آینده: انتظار فرج ۷۱

گره زدن به عاشورا (ذکر مصیبت) ۷۲

جلسه دهم: توسل و دعا و تقویت روابط ایمانی ۷۵

مقدمه ۷۵

ابزار اول: دعا و تغییر دستگاه محاسباتی ۷۶

ابزار دوم: توسل ۷۶

ابزار سوم: تقویت روابط ایمانی ۷۷

وعدۀ الهی به مؤمنان ثابت قدم ۷۷

کفایت الهی ۷۷

گره زدن به عاشورا و دعای پایانی ۷۸



کتاب حاضر، مجموعه‌ای هشت قسمتی از طرح‌بحث‌های سخنرانی و منبر است که به همت هشت نفر از مبلغان توانمند، برای ارائه در ایام تبلیغی محرم فراهم آمده است.

ویژگی مشترک تمامی این طرح‌بحث‌ها، بهره‌گیری از سخنرانی‌ها و دروس استاد حجت‌الاسلام والمسلمین محمدرضا عابدینی حول محور «روایت الهی» است. این امر می‌تواند سررشته طراح‌ی یک منبر را «با طعم روایت الهی جنگ» در هشت موضوع جنگ روایت‌ها، اخوت ولایی، خانواده، امید، صبر و

استقامت، استغاثه و دعا، جهاد و مواسات، در
اختیار مبلغان عزیز قرار دهد.

شایان ذکر است که در تنظیم مطالب، بنا بر
نگارش کاملِ منبر نبوده است؛ بلکه برای
رعایت اختصار و با اعتماد به تجربه و دانش
خوانندهٔ محترم، تکمیل برخی مباحث به خود
ایشان واگذار شده تا انعطاف بیشتری در
طراحی متناسب با مخاطبان و شرایط گوناگون
داشته باشند.

صمیمانه از شما خوانندهٔ گرامی تقاضا داریم تا
پیشنهادهات و انتقادات سازندهٔ خود را با ما در
میان بگذارید.



جلسه اول:

**پیروزی شناختی
ایران طی ده روز
(ذکر مصادیق)**

مقدمه (شروع بحث)

عرض سلام و تعزیت به محضر مقدس حضرت
بقیة الله الاعظم (ارواحنا فداه) و همه شما
عزاداران حسینی. امشب شب اول محرم است؛
شب ورود به یک دانشگاه ده روزه که معلم آن
حسین علیه السلام و کتاب آن عاشوراست. امسال
می خواهیم با نگاهی به مسائل روز خودمان،
به خصوص «جنگ اراده ها»، به کربلا بنگریم.

■ متن اصلی منبر

نبرد امروز، نبرد اراده‌هاست

اساساً نگاه ما به نبرد باید یک نگاه آخرالزمانی باشد. میدان حقیقی نبرد، جنگ اراده‌هاست، نه آهن‌ها. باید دانست که در دوران آخرالزمان، ماهیت جنگ‌ها دگرگون شده است. اگر جنگ را ده درجه در نظر بگیریم، نُه‌دهم نبرد امروز، در عرصه «جنگ شناختی» اراده‌هاست، و تنها یک‌دهم آن در میدان سخت‌افزارها و نبردهای نظامی رخ می‌دهد. لذا کسی پیروز نهایی است که در جنگ شناختی و نبرد اراده‌ها غلبه پیدا کند.

تحلیل نقشه دشمن در حوادث اخیر

تمام محاسبات مادی و نظامی دشمن، با همه عظمتشان، در برابر گستره روح و اراده یک ملت، همچون حلقه‌ای ناچیز در بیابانی بی‌کران هستند. دشمن نیز این را می‌دانست و نقشه اصلی‌اش، یک تهاجم شناختی برای ایجاد یأس و فروپاشی اراده ملت بود. تحلیلش این بود که با ضربات نظامی و امنیتی، می‌تواند یک یأس عمومی حاکم کند و انسجام اجتماعی را فروپاشد.

نتیجه معکوس و پیروزی شناختی

اما به لطف الهی، این نقشه‌اش نتیجه معکوس داد. تا حمله به ایران عزیز و شهادت فرماندهان و دانشمندان و برخی از مردم عزیزمان انجام شد، طوری قلب‌ها و اراده‌های مردم با هم متحد و متصل شد که در این جنگ شناختی پیروز شدیم. این اتحاد بی‌سابقه بود و «وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ» «آل عمران/۵۴» تجلی یافت.

ارکان این پیروزی الهی در جنگ شناختی

■ جبهه فراگیر: هرایرانی، در یک سنگر

امروز، خداوند باب جهاد را به روی همه ملت ما گشوده است. این جهاد دیگر محدود به مردان جنگی در مرزها نیست؛ میدان نبرد به وسعت تمام ایران اسلامی است و هر فردی، یک مجاهد فی سبیل الله در سنگر نبرد جنگ شناختی است. آن پدری که در کنار دخترش به رانندگان خسته شربت می دهد، آن خانواده ای که بسته های آذوقه برای مدافعان آماده می کند، و حتی آن دلی که با شنیدن غرش پدافند و موشک هایمان از غلبه حق بر باطل شاد می شود، همه در حال جهادند.

■ تدبیر الهی: مکر دشمن علیه خودش

یکی از شگفت انگیزترین جلوه های امداد غیبی آن است که دشمن با دست خود، اسباب رسوایی خویش و عزت ما را فراهم می کند؛ همچون «یوم الزینه» فرعون «طه/۵۹» و آتش نمرود

«انبیاء/ ۶۹ و عنکبوت/ ۲۴». ظلم طولانی و وحشیانه رژیم صهیونیستی در غزه، پیشاپیش چهره کریه آنان را برای وجدان‌های بیدار جهان آشکار ساخته بود. این سرمایه عظیم مظلومیت، سبب شد تا حمله آن‌ها به ما، ادامه همان مسیر ظلم تلقی شود و حقانیت ما بدرخشد و مصداق آیه «يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ» («حشر/ ۲») بر علیه‌شان محقق شود.

وعدۀ نصرت الهی

اینجا بود که وعدۀ خدا محقق شد که فرمود: «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» («حج/ ۴۰»).

گره زدن به عاشورا (ذکر مصیبت)

دشمن در کربلا هم بزرگ‌ترین جنگ شناختی را راه انداخت تا اراده اصحاب حسین علیهم‌السلام را بشکند. این جنگ از کوفه آغاز شد. سفیر امام، حضرت مسلم بن عقیل، اولین قربانی این جنگ بود. هزاران نفر با او بیعت کردند، اما

ابن زیاد با عملیات روانی، اراده‌ها را سست کرد.
شب که شد، مسلم غریب و تنها ماند... امشب
سلام بدهیم به اولین شهید کربلا، سفیر غریب
اباعبدالله... اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مُسْلِمَ بْنَ عَقِيلٍ...





جلسه دوم:

**مقایسه داستان
جنگ احد و بدر
(با تمرکز بر حال
امید مؤمنین)**

مقدمه

شب گذشته از پیروزی در یک جنگ شناختی گفتیم. اما تاریخ به ما می‌آموزد که پس از هر پیروزی، امتحانی سخت‌تر در پیش است. امشب به مقایسه بدر و احد می‌پردازیم تا رمز پیروزی پایدار و عامل شکست را بشناسیم.

■ متن اصلی منبر

بدر؛ پیروزی با امید و توکل محض

در جنگ بدر، مسلمانان در اقلیت محض بودند اما با امید به خدا و صبر، مصداق آیه «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ» (بقره/۲۴۹) شدند.

احد؛ آزمون سستی و حکمت شکست

در جنگ احد، غفلت و طمع، پیروزی را به شکست تبدیل کرد. اما چرا خداوند اجازه چنین شکستی را داد؟ این یک سنت الهی است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ

يَمْحَقُ الْكَافِرِينَ «آل عمران/۱۴۱». خداوند این صحنه‌ها را پیش می‌آورد تا مؤمنان را خالص و پاک گرداند و ناخالصی‌ها را جدا کند. جنگ احد، صحنه «تمحیص» و خالص‌سازی بود؛ چنان که صحنه «محَق» و درهم شکستن کافران بود.

تحلیل سه مرحله سقوط (وهن، ضعف، استکانت)

قرآن مجاهدان واقعی را که در این آزمون خالص‌سازی موفق می‌شوند اینگونه توصیف می‌کند: **فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا** «آل عمران/۱۴۶». ریشه همه شکست‌ها «وهن» یعنی سستی درونی است که منجر به «ضعف» در عمل و نهایتاً «استکانت» و تسلیم می‌شود. در احد، شایعه شهادت پیامبر ﷺ باعث «وهن» در دل عده‌ای شد و آنها را در آزمون تمحیص مردود

کرد. امید که از بین برود، انسان از درون فرو می‌ریزد.

گره زدن به عاشورا (ذکر مصیبت)

یاران اباعبدالله علیه السلام مصداق اتم «فَمَا وَهْنُوا» بودند. آنها اهل بدر بودند. با دیدن لشکر سی هزار نفری، ذره‌ای «وهن» در دلشان راه نیافت. شب عاشورا امام بیعت را برداشت تا صحنه «تمحیص» کامل شود و فقط خالص‌ترین‌ها بمانند. یکی از اینها «زهیر بن قین» بود. کسی که عثمانی بود و از امام دوری می‌کرد. اما وقتی در راه با امام ملاقات کرد، چنان تحولی در او ایجاد شد که در شب عاشورا به امام عرض کرد: «به خدا قسم دوست دارم هزار بار کشته شوم و دوباره زنده شوم، اما خدا به این وسیله، جان شما و جوانان اهل بیت شما را حفظ کند.» این یعنی اوج امید و نفی هرگونه وهن و سستی.



جلسه سوم:

**تلاش دشمن در
جنگ شناختی برای
ایجاد ناامیدی**

مقدمه

شب گذشته از تفاوت بدر و احد گفتیم و ریشه شکست را «وهن» و سستی درونی دانستیم. دشمنِ هوشمند، دقیقاً همین نقطه را هدف می‌گیرد. استراتژی او این است که پس از یک پیروزی، ما را دچار غرور کند تا از خدا غافل شویم و به اسباب مادی تکیه کنیم. آنگاه ضربه‌اش را می‌زند تا ما را به ناامیدی مطلق بکشاند.

■ متن اصلی منبر

استراتژی دومرحله‌ای دشمن

۱. ایجاد غرور کاذب پس از یک پیروزی، دشمن با تبلیغاتش سعی می‌کند ما را به خودمان و تجهیزاتمان مغرور کند. ”ما بودیم که پیروز شدیم“، ”موشک‌های ما بود که...“ اینجاست که یاد خدا کمرنگ می‌شود.

۲. ایجاد یأس پس از ضربه وقتی تکیه ما از خدا به خودمان منتقل شد، دشمن ضربه‌اش را می‌زند. چون تکیه‌گاه ما سست شده، بایک ضربه، آن غرور به یأس عمیق تبدیل می‌شود.

می‌گوید: «دیدید؟ آن همه ادعا پوچ بود. شما ضعیفید.»

پادزهر قرآنی غرور

آیه شریفه «فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى وَلِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ» (انفال/۱۷). این آیه پادزهر غرور است. به مجاهدان بدر می‌گوید: این شما نبودید که پیروز شدید، این خدا بود که دشمن را کشت. این تو نبودی که تیر انداختی، خدا بود. پیروزی از اوست. اگر این را باور کنیم، نه مغرور می‌شویم و نه با یک شکست ظاهری، ناامید.

مولا و سرپرست حقیقی

«ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ» «محمد ﷺ/۱۷». غرور باعث می‌شود انسان فراموش کند که مولا و سرپرست حقیقی خداست. وقتی خدا را فراموش کردی، بی‌مولا می‌شوی و با هر بادی می‌لرزی.

گره زدن به عاشورا (ذکر مصیبت)

مردم کوفه با نامه‌هایشان به امام حسین علیه السلام یک پیروزی اولیه به دست آوردند. احساس غرور کردند که ما با هجده هزار بیعت کننده، امام را دعوت کردیم و حکومت یزید را سرنگون می‌کنیم. به خودشان و تعدادشان تکیه کردند. اما ابن زیاد وارد کوفه شد و جنگ شناختی را آغاز کرد. با یک تهدید (لشکر شام در راه است) و کمی تطمیع، آن غرور را به یأس تبدیل کرد. مردم از ترس جان و مالشان، تکیه‌گاه اصلی یعنی پیمان با امامشان را رها کردند. نتیجه‌اش چه شد؟ مسلم تنها ماند... و دو طفلان او آواره بیابان‌ها شدند... امشب روضه طفلان مسلم را بخوانیم که چگونه از ترس می‌لرزیدند و در تاریکی شب پدرشان را صدا می‌زدند...



جلسه چهارم:

**تلاش دشمن درون
برای پررنگ کردن
مشکلات کوچک
و ایجاد یأس**

مقدمه

تا اینجا از نقشه دشمن بیرونی گفتیم. اما گاهی خطرناک‌تر از دشمن بیرونی، «دشمن درون» است. کسانی که در جبهه خودی هستند اما دانسته یا نادانسته، بلندگوی دشمن می‌شوند. کارشان تزریق ناامیدی و پررنگ کردن مشکلات کوچک است. اینها همان منافقین و بیماردلانی هستند که قرآن معرفی می‌کند.

■ متن اصلی منبر

صدای یأس از جبهه خودی

قرآن می‌فرماید: «وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا»
 «احزاب/۱۲». در جنگ سخت احزاب، این منافقین و بیماردلان بودند که از درون فریاد می‌زدند: “وعده خدا و رسولش فریبی بیش نبود!”

نقزن‌های حرفه‌ای

برخی افراد حتی در اوج پیروزی، دنبال بهانه و ایراد می‌گردند. “چرا بیشتر نزدند؟ چرا دیر

زدند؟” اینها فکر می‌کنند دارند خدمت می‌کنند و نقاط ضعف را می‌گویند، اما در واقع در زمین دشمن بازی می‌کنند. کار دشمن همین است که در جامعه شما دائم حرف ضعف و «نمی‌شود» و «نمی‌توانیم» زده شود.

سیاست رسانه‌ای دشمن و وظیفه ما

کار دشمن بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن محاسن بزرگ است. به فرموده رهبر انقلاب، امروز «نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شما» شکستن این محاصره تبلیغاتی و امیدآفرینی است. باید نهال امید را در خود و دیگران پرورش دهیم.

گره زدن به عاشورا (ذکر مصیبت)

وقتی کاروان امام حسین علیه السلام به کربلا رسید و آنجا فرود آمد، برخی از همان ابتدا شروع به یأس پراکنی کردند. وقتی حراره را بر امام بست، عده‌ای گفتند برگردیم. اما یاران باوفا اینطور نبودند. وقتی امام فرمود اینجا محل ریخته شدن

خون ماست، عده‌ای مثل «نافع بن هلال»
برخاست و عرض کرد: «یا ابا عبدالله! ما از
مرگ در راه تو باکی نداریم. ما بر همان نیت و
بصیرتی هستیم که از ابتدا با تو بودیم. دوستدار
دوست تو و دشمن دشمن توایم.» این یعنی امید
و بصیرت در برابر یأس پراکنی دشمن درونی.
امشب از این یاران با بصیرت بگوییم... از «حُرّ
بن یزید ریاحی» که از لشکر یأس بیرون آمد و
به اقیانوس امید حسین علیه السلام پیوست...



جلسه پنجم:

نتایج ناامیدی

در جامعه

(قطع رشته

تواصی و...)

مقدمه

شب گذشته از خطر یأس پراکنی دشمن درونی
گفتیم. امشب می‌خواهیم ببینیم اگر این سم
ناامیدی در جامعه شایع شود، چه بلایی بر
سر آن جامعه می‌آید. ناامیدی فقط یک حس
فردی نیست، یک بیماری اجتماعی است که
ساختار جامعه را متلاشی می‌کند.

■ متن اصلی منبر

معه نامیدی

جامعه‌ای که ناامید شد، مثل بدنی با «معه نامیدی» است. هر خبر خوب و هر کار بزرگی که به آن بدهی، آن را هضم کرده و به یأس بیشتر تبدیل می‌کند. یک پیروزی بزرگ را بی‌ارزش جلوه می‌دهد و یک نقص کوچک را به یک بحران بزرگ تبدیل می‌کند.

مثال کرونا

در دوران کرونا، دشمن با مباران اخبار منفی، جامعه را به سمت یأس مطلق برد. در حالی

که خود امید، یکی از مهمترین عوامل تقویت سیستم ایمنی بدن بود. وقتی سیستم خبررسانی تغییر کرد و جلوه‌های امیدبخش (مثل کمک‌های مؤمنانه) پررنگ شد، حال جامعه هم بهتر شد.

مهم‌ترین نتیجه یأس: قطع رشته تواصی

در سوره عصر، خداوند همه انسان‌ها را در خسران می‌بیند مگر کسانی که اهل ایمان، عمل صالح، «تواصی به حق» و «تواصی به صبر» («عصر/۳») باشند. «تواصی» یعنی یکدیگر را به حق و صبر سفارش کردن. این یک شبکه ارتباطی مؤمنانه است که جامعه را زنده و پویا نگه می‌دارد. ناامیدی اولین کاری که می‌کند، این رشته اتصال را قطع می‌کند. هرکس به فکر خودش می‌افتد و جامعه اتمی و متلاشی می‌شود.

گره زدن به عاشورا (ذکر مصیبت)

شب عاشورا، اوج «تواصی به حق و صبر» بود. امام حسین علیه السلام یارانش را جمع کرد، حق

را برایشان تبیین کرد و آنها را به صبر در برابر شهادت سفارش نمود. یاران نیز با هم تجدید پیمان کردند. مسلم بن عوسجه در لحظه شهادت، به حبیب بن مظاهر وصیت کرد و او را به یاری و دفاع از امام حسین علیه السلام «تواصی» نمود. این شبکه تواصی نگذاشت لشکر کوچک امام از هم بپاشد. اما در مقابل، لشکر کوفه، لشکر ناامیدان و نیازدگان بود. رشته تواصی بینشان قطع بود. هرکس فقط به فکر غنیمت و جان خودش بود. وای بر جامعه‌ای که رشته تواصی در آن پاره شود... امشب از دو برادر بگوییم که در کربلا مظهر این تواصی بودند... عبدالله و عبدالرحمن، فرزندان عروة بن حراق غفاری، آمدند خدمت امام و گفتند ما می‌خواهیم برویم میدان ولی بدهکاریم. امام فرمود من قرضتان را می‌دهم. اما آن‌ها رفتند و جنگیدند تا شهید شدند. این یعنی در اوج خطر هم به فکر حق الناس و تواصی به حق بودند.



جلسه ششم:

**تواصی و مواسات؛
راهکاری برای
مصونیت از
ناامیدی**

مقدمه

دیشب از نتایج تلخ ناامیدی و قطع رشته
تواصی گفتیم. خب راهکار چیست؟ چگونه
می‌توان جامعه را در برابر ویروس یأس واکسینه
کرد؟ قرآن و مکتب اهل بیت علیهم‌السلام دو راهکار
عملی و مکمل را معرفی می‌کنند: «تواصی» (که
دیشب گفتیم) و «مواسات».

■ متن اصلی منبر

تواصی؛ پادزهر جنگ شناختی

تواصی یعنی فقط به فکر خود نبودن. یعنی خیرخواهی فعالانه. یعنی وقتی می‌بینیم دشمن در حال تزریق یأس است، ما فعالانه یکدیگر را به امید، به دیدن نعمت‌ها، به دیدن دست خدا و به استقامت سفارش کنیم. این همان «جهاد تبیین» است. یادآوری نصرت‌های گذشته خدا «ادْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ» (احزاب/۹) خودش امیدآفرین است.

مواسات؛ تجلی عملی تواصی

مواسات یعنی همدردی و یاری‌رسانی عملی. یعنی خود را شریک غم و مشکل برادر مؤمنت بدان. مواسات، یأس را در نطفه خفه می‌کند. کسی که احساس کند تنها نیست و دیگران هوايش را دارند، ناامید نمی‌شود. در کمک‌های مؤمنانه دوران کرونا، ما جلوه زیبایی از مواسات را دیدیم.

حزب الله پیروز است

«وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» «مائدة/۵۶». حزب الله چه کسانی هستند؟ فقط یک گروه نظامی نیستند. جامعه‌ای هستند که ولایت خدا، رسول و مؤمنین را پذیرفته‌اند. این ولایت در «تواصی» و «مواسات» تجلی پیدا می‌کند. چنین جامعه‌ای که هوای هم را دارند، «حزب الله» است و قطعاً غالب و پیروز است.

گره زدن به عاشورا (ذکر مصیبت)

کربلا نمایشگاه باشکوه «مواسات» بود. اوج آن در وجود حضرت قاسم بن الحسن علیه السلام است. نوجوانی که شهادت را شیرین تر از غسل می دانست. وقتی به میدان رفت و بر زمین افتاد، عمویش حسین علیه السلام را صدا زد. امام خود را به سرعت به بالین او رساند و فرمود: “بر عمویت سخت است که او را بخوانی و نتواند جوابت را بدهد.” این یعنی اوج مواسات و همدردی. امام درد برادرزاده را درد خود می داند. امشب از این نوجوان شجاع بگوئیم که چگونه با بدن کوچکش زیر سم اسبان...



جلسه هفتم:

**امید به
نصرت الهی**

مقدمه

شب‌های گذشته از وظایف خودمان گفتیم. اما همه اینها باید به منبع لایزال «امید به نصرت الهی» متصل باشد. امشب می‌خواهیم ببینیم منطق مؤمن در مواجهه با سختی‌ها و امید به یاری خدا چگونه است.

■ متن اصلی منبر

منطق مؤمن: پیروزی در هر دو حالت

نگاه مؤمن به نبرد، یک نگاه منحصر به فرد است. او هرگز خود را شکست خورده نمی بیند. قرآن این منطق را از زبان مؤمنان اینگونه بیان می کند: «قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسْنَيْنِ» «توبه/۵۲». بگو آیا شما برای ما جز یکی از دو نیکی را انتظار دارید؟ (یا پیروزی و غلبه، یا شهادت و رسیدن به بهشت). با این نگاه، شکست بی معناست. یأس راهی به دل مؤمن ندارد.

نصرت خدا در اوج سختی می آید

قرآن به ما می گوید توقع نداشته باشید نصرت خدا در شرایط عادی بیاید. سنت خدا بر این است که مؤمنان را در سختی ها امتحان کند «وَزُلْزِلُوا» (احزاب/۱۱) تا به جایی برسند که از همه اسباب مادی ناامید شوند و فقط به خدا امید ببندند. در جنگ احزاب، کار به جایی رسید که به تعبیر قرآن: «زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ» (احزاب/۱۰). دقیقاً در همین نقطه اوج ناامیدی از خود، خدا نصرتش را با لشکریان نامرئی «وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا» (احزاب/۹) فرستاد.

داستان حضرت موسی علیه السلام و عبور از دریا

وقتی قوم موسی به دریا رسیدند و ناامید شدند، موسی با امید کامل به نصرت الهی فرمود: «إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ» (شعراء/۶۲) و در اوج ناامیدی ظاهری، بزرگترین معجزه رخ داد.

وعده‌های قطعی قرآن

«إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ» «آل عمران/۱۶۰»
و «كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي» «مجادله/۲۱».
اینها وعده‌های تخلف‌ناپذیر الهی است.

گره زدن به عاشورا (ذکر مصیبت)

عصر عاشورا، اوج تجلی منطق «**احدی**
الحسنین» بود. امام حسین علیه السلام در گودال
قتلگاه، در ظاهر شکست خورده بود، اما در
واقع به بالاترین حُسنین، یعنی مقام شهادت
و لقاء الله، رسیده بود. او با امید به همین
وعده الهی بود که آرام بود و می‌فرمود: «**صبراً**
علی قضا ئک یا رب، لا معبود سواک». امشب از
علی اکبر علیه السلام بگوئیم. وقتی امام او را به میدان
فرستاد، دست به آسمان بلند کرد و عرض کرد:
«خدایا تو شاهد باش...» این یعنی سپردن
نتیجه به خدا و امید به نصرت او حتی در
قالب شهادت.



جلسه هشتم:

**فاتح حقیقی میدان
(گره به عاشورا)**

مقدمه

دیشب از امید به نصرت الهی و منطق «**احدی**
الحسنین» گفتیم. با این نگاه، امشب می‌خواهیم
ببینیم فاتح حقیقی کربلا کیست و چگونه
می‌توان در دل بزرگ‌ترین مصیبت‌ها، نعمت
و زیبایی را دید.

■ متن اصلی منبر

در هر بلا، نعمتی است

اساس نگاه ما به حوادث تلخ باید نگاهی باشد که امام عسکری علیه السلام به ما می آموزد: «**مَا مِنْ بَلِيَّةٍ إِلَّا وَهُوَ فِيهَا نِعْمَةٌ تُحِيطُ بِهَا**» «تحف العقول/ ۴۸۹». هیچ بلایی نیست مگر آنکه نعمتی از جانب خدا آن را در بر گرفته است. هنر مؤمن این است که آن نعمت پنهان در دل بلا را ببیند.

بازتعریف پیروزی و غلبه

پیروزی در منطق قرآن، غلبه اراده حق بر اراده باطل است. با این تعریف، فاتح حقیقی کسی است که پیامش غالب می‌شود.

حزب الله و جند الله غالبون

«فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» «مائده/۵۶» و «وَإِنَّ جُنْدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ» «صافات/۱۷۳». این غلبه، غلبه حجت و منطق و اراده است.

فاتح حقیقی میدان کربلا

با این تعریف، چه کسی در کربلا غالب شد؟ یزید یا حسین علیه السلام؟ کسی که در دل بزرگ‌ترین «بلیه» تاریخ، «نعمت» بزرگ الهی را دید و آن را به جهانیان نشان داد.

گره زدن به عاشورا (ذکر مصیبت)

این جلسه تماماً گره به عاشورا است. اوج این پیروزی شناختی و غلبه اراده، در خطبه‌های حضرت زینب علیها السلام و امام سجاد علیه السلام است.

زینب کبری علیها السلام مصداق اتم آن کسی است که حدیث امام عسکری علیه السلام را با تمام وجود زیست. او در مقابل ابن زیاد مغرور می‌ایستد و می‌فرماید: «**مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا**» (من جز زیبایی چیزی ندیدم). این یک جمله نیست، این ترجمه همان «ما من بلیة...» است. این اعلام پیروزی در قلب جنگ شناختی است. یعنی تو با همه جنایتت که یک «بلیه» بود، نتوانستی اراده ما را بشکنی و ما در دل این مصیبت، «نعمت» شهادت و زیبایی انجام تکلیف را دیدیم. اوج این غلبه در وجود حضرت عباس علیه السلام است. دشمن با امان‌نامه آمد تا در اراده او تزلزل ایجاد کند، اما او با رد کردن آن، پیروزی شناختی را رقم زد.



جلسه نهم:

**امام،
مصدق تام امید**

مقدمه

در این شب‌ها از امید گفتیم. اما امید باید یک مصداق عینی و یک لنگرگاه قابل اتکا داشته باشد. در مکتب ما، «امام» مصداق تام و تجسم کامل امید و آرامش است.

■ متن اصلی منبر

امام، لنگرگاه آرامش و سکینه

قرآن می فرماید: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيْمَانِهِمْ وَ لِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...» «فتح/۴». این «سکینه» و آرامش از آسمان نازل می شود و مجرای آن، قلب مطهر امام است.

سلاح آرامش و سکینه الهی؛ قدرت قاهر طمأنینه مؤمنانه

پیروزی ما در میدان نبرد شناختی، نه در آینده، که هم اکنون در آرامش و طمأنینه ای که

در جامعه موج می زند، قابل مشاهده است. این آرامش، یک امداد غیبی و تجلی سکینه الهی است. آن بانوی مجری که در قلب مباران، استوار و باصلابت، نماد یک ملت شد، اثری فراتر از صدها موشک داشت. این آرامش، تجلی این آیه است که: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا» (فصلت/۳۰).

تفاوت مؤمن و کافر در امید

قرآن می فرماید: «فَإِنَّهُمْ يَأْتُونَ كَمَا تَأْتِي السُّحُبُ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ» (نساء/۱۰۴). شما و دشمن هر دو سختی می کشید. اما یک تفاوت بزرگ دارید: شما امیدی به خدا دارید که آنها ندارند. این امید در وجود امام تجلی پیدا می کند.

امید به آینده: انتظار فرج

این امید با شهادت امام حسین علیه السلام تمام نشد، بلکه به «انتظار فرج» و امید به آمدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، گره خورد.

گره زدن به عاشورا (ذکر مصیبت)

امام حسین علیه السلام خود امید بود. در روز عاشورا، هر چه مصیبت‌ها سنگین‌تر می‌شد، چهره امام برافروخته‌تر و آرام‌تر می‌گشت. این نشان‌دهنده آن سکینه الهی در قلب امام است. ما با گریه بر حسین علیه السلام، به این چشمه امید متصل می‌شویم. زیارت عاشورا که می‌خوانیم، اعلام می‌کنیم که ما در جبهه حسین علیه السلام و امیدوار به پیروزی نهایی او در رکاب فرزندش مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هستیم. امشب از شش ماهه امام حسین علیه السلام، علی اصغر علیه السلام... بگوییم که حتی شهادت او هم نتوانست امید را از دل حسین علیه السلام بگیرد. بلکه این خون را به آسمان پاشید تا سندی باشد بر مظلومیت و امید به دادخواهی خداوند.



جلسه دهم:

**توسل و دعا و
تقویت روابط
ایمانی**

مقدمه

شب آخر است... چگونه این امید را تا آخر عمر
در دل خود زنده نگه داریم؟ امشب می خواهیم
از ابزارهای عملی حفظ و تقویت امید بگوییم.

■ متن اصلی منبر

ابزار اول: دعا و تغییر دستگاه محاسباتی

دعا، گفتگو با منبع قدرت و امید است و «دستگاه محاسباتی» ما را از تکیه بر اسباب مادی به تکیه بر اراده الهی تغییر می دهد.

ابزار دوم: توسل

توسل به اهل بیت علیهم السلام یعنی وصل شدن به مصادیق تام امید. وقتی می گوئیم «یا حسین علیه السلام»، خود را به اقیانوس آرامش متصل می کنیم.

ابزار سوم: تقویت روابط ایمانی

زنده نگه داشتن «تواصی» و «مواسات» در طول سال، بهترین راه برای مقابله با یأس است.

وعده الهی به مؤمنان ثابت قدم

رهبری عزیز به این آیه تاکید فرمودند که: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» «آل عمران/۱۳۹»، سست نشوید و محزون نباشید! شما برترید اگر مؤمن باشید. غلبه و پیروزی نهایی از آن مؤمنان به خداست.

کفایت الهی

«وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا» «احزاب/۲۵». در جنگ احزاب، مؤمنین وظیفه خود را انجام دادند و به خدا امید بستند، خداوند کارزار را از دوش آنها برداشت. ما نیز اگر با دعا و توسل و تقویت روابط ایمانی، جبهه درونی خود را مستحکم کنیم، خداوند در نبردهای بزرگ ما را کفایت خواهد کرد.

گره زدن به عاشورا و دعای پایانی

تمام دهه محرم، خود یک دوره فشرده دعا، توسل و تقویت روابط ایمانی است. بیاییم این اتصال را در طول سال حفظ کنیم. با قلبی سرشار از ایمان، در مجالس عزای حسینی شرکت کنیم و با اقتدا به حضرت زینب عَاصِمَةُ، پیام حق را به جهانیان برسانیم. به یاد داشته باشیم، آمریکا و همه قدرت‌های مادی در برابر قدرت لایزال الهی، هیچ هستند. شب آخر است... شب شام غریبان... امشب دل‌ها را روانه کربلا کنیم... کنار خیمه‌های سوخته... کنار زینبی که از امشب، خود، کوه امید و پناهگاه یتیمان است. یا ابا عبدالله... ما در این ده شب به تو متوسل شدیم... امید ما را ناامید نکن... (دعا برای فرج امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ، سلامتی رهبر انقلاب، جوانان، بیماران و حوائج جمع).

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.

در دوران آخرالزمان،
ماهیت جنگ‌ها دگرگون
شده است. اگر جنگ را ده
درجه در نظر بگیریم، نه
دهم نبرد امروز در عرصهٔ
«جنگ شناختی» و تقابل
اراده‌هاست و تنها یک
دهم آن در میدان سخت
افزارها و نبردهای نظامی
رخ می‌دهد. از این رو،
پیروز نهایی میدان کسی
است که در جنگ شناختی
و نبرد اراده‌ها چیره شود.



قرارداد پیرو
میتحصیر

@rebbion_ir

TAMHIS.IR

۰۲۵۳۳۵۵۶۲۵۰